هنر سلجوقی و شاهنامه "کاما"

تاریخ دریافت مقاله:۹۲/۵/۱۵
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۷/۲۰

سیدعبدالمجید شریف‌زاده[۱]

چکیده

یکی از دوره‌های شکوفایی هنر ایران دوران سلجوقی است. دوره‌ای که هنرهای گوناگون پس از ظهور اسلام متناسب با تفکرات و اعتقادات اسلامی شکل گرفت و رشد کرده و مراحل تحول و تطور خود را گذراند. در این دوره علاوه بر تحولات هنری گوناگون شاهد اوج گیری و گسترش زبان و ادبیات فارسی، همراه با اندیشه‌های فلسفی و عرفانی هستیم. دربارهٔ هنر عصر سلجوقی کتاب‌های بسیاری می‌توان یافت. هرچند تا کنون اثری با تمرکز بر مبانی و اصول حاکم بر طرح و نقش عصر سلجوقی، نگاشته نشده است.

این مقاله ضمن نگاهی به ادبیات و هنر دوره سلجوقی ویژگی‌ها و چگونگی شکل گیری آن، به بررسی یکی از آثار پر اهمیت و قدیمی‌ترین شاهنامه فردوسی، معروف به "کاما" می‌پردازد و این شاهنامه را به عنوان یکی از اولین نمونه‌های تصویرگری شاهنامه معرفی کند. تا کنون درباره شاهنامه "کاما" تنها یک مقاله در سال ۱۳۵۲ توسط دکتر غروی نگاشته شده است که گرچه مفید است اما کافی نیست. شاهنامه "کاما" در موئسسه کاما در شهر بمبئی نگهداری می‌شده حداقل تا زمان نگارش مقاله دکتر غروی یعنی سال ۱۳۵۲ ، اما اکنون با توجه به پی‌گیری‌های انجام شده دیگر هیچ مدرک و نشانی از آن در دست نیست. متأسفانه تنها منابع موجود برای بررسی چند تصویر مربوط به کتاب "معرفی نسخه‌های شاهنامه فردوسی" است.

کلید واژه‌ها:

ادبیات، هنر، تصویرگری، ورقه و گلشاه، شاهنامه کاما

۱- نویسنده مسئول:هیئت علمی پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی،صنایع دستی و گردشگری. s-a-majidsharifzade@yahoo.com

مقدمه

برخی از محققان و نویسندگان خصوصاً محققان عرب سعی کرده‌اند که هنر سلجوقی را به عنوان یکی از شاخه‌های مکتب عباسی معرفی نمایند در حالی که هنر سلجوقی به دلیل ویژگی‌های خاص خود به هیچ وجه مشابهتی با مکتب عباسی نداشته و تنها به دلیل هم زمانی با هم آن را به غلط در یک مکتب قرار داده‌اند.

بررسی ویژگی‌های متفاوت مکتب سلجوقی از مکتب عباسی و موجب می‌شود یکی از مهمترین هنرهای این دوره یعنی تصویرگری را با عنایت بیشتری مورد توجه قرار می‌دهیم. شاید یکی از شاخص‌ترین آثار نگارگری این دوره که با احتیاط به دوره سلجوقی و اواخر آن نسبت داده شده شاهنامه فردوسی معروف به "کاما" است. که به دلیل نداشتن تاریخ باید آن را بر اساس نگاره‌ها مورد بررسی قرار دهیم. مرحوم "مینوی" احتمال می‌دهدکه این شاهنامه مربوط به اواخر دوره سلجوقی و اوایل دوره مغول باشد. پس این پژوهش با نگاهی متمرکز بر ادبیات، نقش و رنگ و طرح عصر سلجوقی که سعی در شناخت و معرفی بهتر "شاهنامه کاما" که اثری گرانقدر است، دارد که البته چنین کاری در شناسایی دیگر آثار هنری عصر سلجوقی هم کار آمد خواهد بود. هنر این دوره را باید آغاز هنر اسلامی دانست چرا که تا پیش از آن هنرها در دوران اموی و عباسی بیشتر تلفیقی از هنر سرزمین‌های تحت سلطه مسلمانان بود، که در انواع گوناگون سبک‌ها و شیوه‌ها رشد یافته و متناسب با این تفکرات و اعتقادات ساخته و پرداخته شده بودند. تأثیر گسترش زبان فارسی در شکل گیری هنر منحصر به فرد دوره سلجوقی بسیار مؤثر است و هدف این پژوهش بررسی هنر دوره سلجوقی انتساب "شاهنامه کاما" به این دوره است. درنتیجه پرسشی که مطرح می‌شود این است: از طریق چه شاخصه‌هایی می‌توان اثبات کرد این شاهنامه مربوط به دوره سلجوقی است؟

گسترش ادبیات در دوره سلجوقی

در عصر سلجوقی زبان عربی، زبان رسمی و نوشتاری بود و پادشاهان فرمان‌های خود رابه زبان عربی صادر می‌کردند. با بر تخت نشستن آلب ارسلان (در سال ۴۵۵ هـ . ق) و فرمان او که دیوان‌ها به زبان فارسی باشد زبان فارسی رو به رشد و کمال گذاشت. با رواج زبان فارسی، ادبیات فارسی نیز رشد و رواجی قابل توجه یافت که ریشه در تلاش‌های شعرا و نویسندگان پیش از آن در زمینه شعر و نثر داشت. حاکمان سلجوقی نه تنها از ادبیات حمایت می‌کردند بلکه برخی از آنان خود ادیبانی سخنور بودند با وزیرانی دانشمند و روشن فکر مانند "عمید الملک کندری" و دانشمند ادیب "نظام الملک طوسی" که تلاش این دو وزیر را در عرصه‌های علم و ادب نمی‌توان انکار کرد. بدون شک وجود این مراکز جدید، فرصتی برای ظهور شماری از شاعران و نویسندگان جدید فراهم می‌کرد. پیروزی‌های سلجوقیان سبب شد زبان فارسی در سرزمین‌های فتح شده گسترش یابد و از آن دیار شاعران و نویسندگانی با استعداد سر برآورد.

از عوامل دیگر در توسعه دامنه ادبیات فارسی و رواج آن در عصر سلجوقی، استفاده از نثر و شعر فارسی در خانقاه‌ها بود. مناقشات مذهبی نیز در نوع خود از عوامل توسعه ادبیات فارسی در این عصر بود. این مناقشات سبب ایجاد نهضتی در تألیف کتاب‌های علمی فارسی به دست افراد مذهبی شد. افزون بر آن، با تدریس زبان عربی و ادبیات عربی در مدارس و توجه ادیبان به آثار عربی، زبان فارسی با کلمات مفرد و مرکب عربی در هم آمیخت.

آمیختگی اعراب و ایرانیان که نتیجه پیروزی در جنگ‌ها بود . پیش‌تر از دوره سلجوقی سبب به وجود آمدن اختلاط ادبی شده و در نظم و نثر دَری که در آن وقت، خاص خراسان و ماوراءالنهر بود، برگرفتن حکمت‌ها و حکایات از اشعار عربی، استدلال به آیات قرآن، به کارگیری ضرب المثل‌ها و داستان‌های عربی به تقلید از نثر عربی، به کارگیری کنایات، استعارات یا تشبیهات، موازنه، سجع و صنایع بدیعی رو به فزونی گذاشت. به کارگیری بیش از حد صناعات ادبی آن بود که معنای صریح و مورد نظر را مخفی می‌داشت، شعر تابع سبک عراقی (سبک ادبی دورهٔ سلجوقی بین‌بین یا سبک سلجوقی است. سبک عراقی پس از حملهٔ مغول رایج شد.) شد. تا جایی که کسی چون نظامی عروضی سمرقندی در کتابی که دراواسط قرن ششم هجری نگاشت. نویسنده خوب را کسی می‌داند که از علم وعالم و حکیم و ادیب پیش از خود بهره گرفته باشد.

بدون شک توجه به ادبیات عرب تا بدین پایه، سبب کاهش بررسی دقیق زبان فارسی و یادگیری قواعد و فهم نکته‌های ظریف در پیش از دوره سلجوقی بود. نویسندگان فارسی زبان که گویی عرب شده بودند، به جز حروف ربط، ادوات و بعضی از افعال فارسی تقریباً بقیه واژه‌ها را رها کرده بودند. به طوری که افراد می‌توانستند به فارسی سره بنویسند رو به کاستی نهاد.

در دوره پس از سلطان "سنجر" بی‌توجهی به حقایق و معنای عالی و صراحت لفظی ، باعث شد نویسندگان تنها به لفظ و ساختار ظاهری آن توجه کنند و با بیان الفاظ عربی و به کارگیری کنایه و اطناب در بیان، نوعی نثر فنی و پیچیده بیافرینند. این سبک به « نثر فنی » یا « روش ابولمعالی » معروف شد.

به هر حال با مطالعه آثار منثور در دوره سلجوقی در می‌یابیم که در نثر، موضوعات و روش‌های مختلفی مورد استفاده قرار گرفت و کتاب‌های علمی فارسی بیش از نظایر آن در دوران گذشته نوشته شد. علت آن نیز جدایی سیاسی ایران از حاکمیت بغداد و دوری مردم از زبان عربی بود با وجود توسعه احداث مدارس و اهتمام به تدریس ادبیات عربی در آن‌ها و آمیختگی زبان فارسی و عربی، توجه امیران، علما و مردم به کتاب‌های فارسی رو به فزونی و تمایلشان به کتاب‌های عربی رو به کاهش بود. در نتیجه، تألیفات فارسی در تفسیر، فقه، ملل و نحل، طب، ریاضی و نجوم، فلسفه، لغت و جز این‌ها پدید آمد. از آثار منثور دوره سلجوقی در زمینه عرفان و فلسفه می‌توان از کتب زیر نام برد: اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید(درمعرفی شیخ ابوسعید و شرح کرامات واقوال او)، رساله آواز پر جبرئیل (در تصوف شیخ شهاب الدین ابولفتوح یحیی بن حبش سهروردی فیلسوف مقتول)، تذکره الاولیاء (در مورد مقامات صوفیان، تاریخ زندگی ۹۶ تن از رهبران و شیوخ). در زمینه کتب تاریخی: مجمل القصص و التواریخ(۲۵ باب جغرافیای مناطق معروف آن دوران)، تاریخ بیهقی که در زمینه نثر و زبان دارای سبک ویژه و نوآوری‌های خاصی است. در زمینه داستان و داستان‌های اخلاقی: سیاست نامه(آداب معاشرت)، قابوس نامه(۴۴ باب برای اصلاح گیلان شاه)، کیمیای سعادت (دینی و اخلاقی)،کلیله و دمنه بهرامشاهی(ترجمه کلیله و دمنه)، چهار مقال « مجمع النوادر »(شرایط ویژه چهار طبقه نویسندگان، شاعران، ستاره شناسان و پزشکان)، سمک عیار(قصه‌های طولانی در سه جلد. در مورد ایران و مناطق مجاور)، سندبادنامه(داستان‌های قدیمی هندی)، جوامع الحکایات ولوامع الروایات(تاریخی و ادبی)، روضه العقول(ترجمه مرزبان‌نامه)، مرزبان‌نامه و سیاست‌نامه « سیر الملوک» (در ۵۴ باب در آداب و نظم شاهنامه)، که اغلب از کتبی هستند که هم اکنون نیز در سطح وسیعی چاپ و تکثیر می‌شوند مورد استفاده قرار می‌گیرند.(حلی، ۱۳۸۴ : ۱۹۶ تا ۲۱۵)

شعر در دوره سلجوقی

در این قرون ، خراسان و نیشابور کانون علم و تصوف اسلامی بود و شیوخ صوفی از بلاد عراق عرب و ماورالنهر به شهرهای پررونق آن روی می‌آوردند و از کتابخانه‌های مهم آن‌ها که از کتاب‌های علمی و عرفانی پر بود استفاده می‌کردند دراین مکتب، صوفیان بزرگی درخشیدند و هر یک به سهم خود گنجینه عرفان اسلامی را غنی‌تر ساخته بودند.

از نو آوری‌های ادبی و زبانی در این دوره باید به سجع خواجه عبدالله انصاری اشاره کرد که نخستین کسی است که درمیان نثر به مناسبت موضوع، شعر می‌آورد سجع او درمیان اهل قلم زمینه‌ای نداشت و در واقع همان شیوه مجلس گویان صفوی و اهل منبر است و آن را واسط نثر مرسل و نثر مصنوع می‌توان شمرد که نوعی وزن و حالتی از شعر در آن احساس می‌شود. اگر چه کوشیده است تا در اغلب موارد این نثر موزون را با آوردن قوافی به شعر نزدیکتر سازد، بسیار هم اتفاق افتاده است که تنها به وزن بسنده کرده و از آوردن سجع و قافیه چشم پوشیده است. (شریعت، ۲۵۳۶ : ۱۷ و۱۸)

فرهنگ تشیع در ایران و توجه به شاهنامهٔ فردوسی در ایران

سلجوقیان از نظر مذهب از اهل تسنن و متعصب بودند و به همه وسایل کوشیدند تا تمایلات نسبت به مذهب شیعه را در ایران ریشه کن کنند. ولی این گونه کوشش‌ها توجه ایرانیان را نسبت به تشیع تغییر نداد، زیرا اینان کمی بعد از غلبه اعراب شروع به قبول دین جدید کرده، مذهب شیعه با طریقه دوازده امامی خود اعتقاد همیشگی مردم ایران را به خود جلب کرد و این تمایل دینی در معماری دوره سلجوقیان انعکاس خود را نشان داد یکی رغبت و تعلق خاطر به تصوف یا عرفان اسلامی و دیگری محبت و اخلاص به امامان و امامزاده‌ها و قدیسان محلی ایران، قبر عرفا و مقدسین برجسته محلی مراکز روحانی نواحی و مناطق گردید.

گسترش و تحول عمیق زبان، نثر و شعر، در حوزهٔ ادبیات و زبان فارسی که نشانهٔ اهمیت و قدر دانی از این زبان در این دوره است، از یک طرف و تمایل ایرانیان به مذهب تشیع که مذهب مورد علاقهٔ مردم علیرغم حکومت سنی مذهب است و با در نظر داشتن این موضوع که فردوسی نیز شیعه مذهب بود عواملی بودند که باعث توجه ویژه هنرمندان به بازنویسی شاهنامه و تصویرگری آن در این دوره شد که نمونه بارز آن "شاهنامه کاما" است.

طرح ونقش در دوره سلجوقی

گسترش هنرهای مختلف مورد توجه و حمایت بسیاری از سلاطین و حکام سلجوقی قرار گرفت و هنر فلزکاری دراین دوره پیشرفت‌های چشمگیری کرد دراین دوره چهار شهر خراسان بزرگ، نیشابور، مرو (درترکمنستان امروز)، هرات وبلخ (در افغانستان امروز) به عنوان مراکز ساختن آثار فلزی شناخته شده‌اند . فلزکاری مکتب خراسان تا یورش مغول دراین مراکز ادامه یافت. آثار فلزی دوره سلجوقی گویای تغییر و تحول هنر فلزکاری از دوره ساسانی به بعد و بیانگر ویژگی‌های خاص مکتب خراسان است.(سرفراز،۱۳۸۰: ۲۰۹)

دراوایل عصر سلجوقی، پارچه‌ها طرحی ساده داشتند و در حجم زیادی تولید می‌شدند، اما بعدها طرح‌ها دقیق‌تر و پیچیده‌تر شدند. در همان دوره پارچه‌های بسیاری مرسوم بود. از جمله دو نوع از بافته‌های یاد شده پارچه‌های اطلسی و پارچه‌های حریر بود،که رنگ آن با تغییر نور تغییر می‌کرد. وجود پنجاه قطعه از حریر بسیار خوب در مقبره‌های سلجوقیان در ری، دلالت بر مهارت هنری آن‌ها در تهیه مجموعه‌ای از نوشته‌ها و تصاویر انسان و حیوانات داشت. (حلی، ۱۳۸۴ :۱۹۴)

این هنرمندان در ساختن درخت مقدس زندگی و تاک‌های پیچاپیچ و نخل‌های زنده و خطوط زیبا و مجلل و شکل‌های نرم وظریف جانوران و صورت‌های متین و موقر و ترکیبات پر نقش یگانه و نمونه بوده‌اند. (پوپ، ۱۳۳۸ : ۷۹).

سفالگران دوره سلجوقی سفال‌هایی با لعاب یک رنگ، بدون لعاب، زرین فام، مینایی، نقاشی زیر لعاب و مشبک را با مهارت کامل انجام می‌دادند. از این دوره پیکره‌های مختلف انسان‌ها، مجسمه‌هایی از حیوانات و پرندگان به دست آمده است.

نقوش مسلط بر روی ظروف این دوره تصاویر ملهم از نگاره‌ها بود که متأسفانه نمونه‌های کمی از آن‌ها باقی مانده است. این نقوش، عموماً صحنه‌های مجلس پادشاهان را تصاویر کرده. گاهی اوقات مضمون‌های شخصی از وقایع مهم تاریخی و بزم‌ها، زندگی مردم عادی و به ویژه داستان‌های شاهنامه فردوسی منعکس شده است. علاوه بر این، سفالگران مجالس شکار و سوارکاری را به نشانه دلیری نقش می‌کردند. در این دوره سفال سازی چه از حیث ساخت و طرح و چه از لحاظ ظرافت و تنوع نقش به نهایت پیشرفت خود رسید.(رفیعی، ۱۳۷۸ :۸۳ و ۸۴)

خط و ادبیات در دوره قرون وسطی اسلامی (سلجوقی) که بر مبنای ادبیات زمان خود رونق می‌گیرد، به هنرمند سفالگر الهام می‌بخشد که از داستان‌های ادبی، اسطوره‌ای بهره گرفته، مضامین ادبی را با نقوش انسانی و انواع خطوط به زیباترین وجه به تصویر در آورد. (کیانی، ۱۳۷۹ : ۶۶)

با آن که کتاب‌های مصوری چند از این عصر به جای مانده و نیز چند نقاشی دیواری اما برای شناخت هنر نقاشی ایرانی عصر سلجوقی بهترین اسناد موجود کاشی ها و سفال های لعابدار منقوش این دوران می باشد.

سفال گران دوره سلجوقی تکنیک جلادادن ظروف سفالی را که در دوره عباسی شایع بود احیا کردند رنگ ظروف جلادار ایران در دوره سلجوقی متنوع است و از سبز طلایی کمرنگ تا قهوه‌ای تیره روی لعاب سفید دیده می‌شود گاهی رنگ آبی یا آبی فیروزه‌ای نیز بکار رفته و این رنگ در چند بشقاب و ابریق که در موزه متروپولین است یافت می‌شود . (دیامند، ۱۳۳۶ : ۱۷۷ و ۱۷۸).

تصویر ۲- پارچه ابریشم وپشم، بنفش و زرد، مجموعه آقا و خانم ادوارد جکسن هلمس، کتاب شاهکارهای هنر ایران ص ۱۳٤

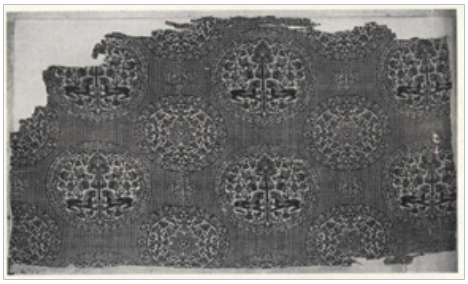

تصویر۱- پارچه ابریشم و پشم، سفید وسرمه ای ۵۳ × ۳۰ سانتی‌متر مجموعه مور در دانشگاه بیل کتاب شاهکارهای هنر ایران ص ۱۳۳

نقوش روی سفال‌ها و کاشی‌ها نشان دهنده گرایشات عمدهٔ هنرمندان این عصر بر مضامین اسطوره‌ای در شاهنامه است. سفالگران دوره سلجوقی سفال‌هایی با لعاب یک رنگ، بدون لعاب، زرین فام، مینایی، نقاشی زیر لعاب و مشبک را با مهارت کامل انجام می‌دادند. از این دوره پیکره‌های مختلف انسان‌ها، مجسمه‌هایی از حیوانات و پرندگان به دست آمده است.

نقوش مسلط بر روی ظروف این دوره تصاویر ملهم از نگاره‌ها بود که متأسفانه نمونه‌های کمی از آن‌ها باقی مانده است. این نقوش، عموماً صحنه‌های مجلس پادشاهان را تصاویر کرده. گاهی اوقات مضمون‌های شخصی از وقایع مهم تاریخی و بزم‌ها، زندگی مردم عادی و به ویژه داستان‌های شاهنامه فردوسی منعکس شده است. علاوه بر این، سفالگران مجالس شکار و سوارکاری را به نشانه دلیری نقش می‌کردند. در این دوره سفال سازی چه از حیث ساخت و طرح و چه از لحاظ ظرافت و تنوع نقش به نهایت پیشرفت خود رسید.(رفیعی، ۱۳۷۸ :۸۳ و ۸۴)

خط و ادبیات در دوره قرون وسطی اسلامی (سلجوقی) که بر مبنای ادبیات زمان خود رونق می‌گیرد، به هنرمند سفالگر الهام می‌بخشد که از داستان‌های ادبی، اسطوره‌ای بهره گرفته، مضامین ادبی را با نقوش انسانی و انواع خطوط به زیباترین وجه به تصویر در آورد. (کیانی، ۱۳۷۹ : ۶۶)

با آن که کتاب‌های مصوری چند از این عصر به جای مانده و نیز چند نقاشی دیواری اما برای شناخت هنر نقاشی ایرانی عصر سلجوقی بهترین اسناد موجود کاشی ها و سفال های لعابدار منقوش این دوران می باشد.

سفال گران دوره سلجوقی تکنیک جلادادن ظروف سفالی را که در دوره عباسی شایع بود احیا کردند رنگ ظروف جلادار ایران در دوره سلجوقی متنوع است و از سبز طلایی کمرنگ تا قهوه‌ای تیره روی لعاب سفید دیده می‌شود گاهی رنگ آبی یا آبی فیروزه‌ای نیز بکار رفته و این رنگ در چند بشقاب و ابریق که در موزه متروپولین است یافت می‌شود . (دیامند، ۱۳۳۶ : ۱۷۷ و ۱۷۸).

نقوش روی سفال‌ها و کاشی‌ها نشان دهنده گرایشات عمدهٔ هنرمندان این عصر بر مضامین اسطوره‌ای در شاهنامه است.

خطاطی

خط‌های رایج در عصر سلجوقی بسیار بود. حتی راوندی مورخ ذکر می‌کند که او هفتاد نوع خط را فرا گرفته بود. سلجوقیان دو نوع خط عربی، کوفی و نسخ، را بیش از سایر خطوط به کار می‌بردند. در روزگار آنان خط نسخ به نهایت رشد و کمال خود رسید.

خط نسخ به عراق رفت. نوشتن و خطاطی به واسطه آن پیشرفت کرد و بر سر در مساجد و مأذنه‌ها و گنبدهای بغداد نقش بست. خط کوفی ایرانی در قرآن‌های سلجوقی تحول بزرگی ایجاد کرد، به طوری که دیگر نیازی به تذهیب آن‌ها نبود. منظور از خط کوفی ایرانی خطی است که خطاطان ایرانی با بهره گیری از خط کوفی عباسی اختراع کردند. با این تفاوت که درآن مد نمود بیشتری نسبت به جر داشت.

قرآن‌های تزئین شده با دقیق‌ترین و جدیدترین تصاویر و نقش‌ها، از ارزشمندترین نوشته‌های هنری قدیمی محسوب می‌شوند. سلجوقیان، تذهیب کاران را با ارزش‌ترین هنرمندان به حساب می‌آوردند و عجیب نبود که ایران، دانشمندان و بزرگان دین و ادب، هنر تذهیب را فرا گرفتند. تذهیب کاران در آن هنگام به دلیل نیاز هنرشان به مواد گران قیمت، مثل طلا، سنگ لاجورد و کاغذهای مرغوب، از پشتیبانی و تشویق بزرگان برای تضمین شکوفایی هنرشان بی نیاز نبودند . (حلی، ۱۳۸۴ : ۱۹۱)

دو یاسه ورق که در موزه متروپولین وجود دارد. نشان می‌دهد چگونه خط و تزئین با هم ترکیب شده و اشکال برگ نخلی با مرکب قهوه‌ای کشیده شده است. در نوع دیگری از خط کوفی که به نام کوفی گلدار معروف است، حروف با اشکال برگ نخلی زینت یافته. این نوع سبک خط در قرن یازدهم و دوازدهم در زمان سلجوقیان درایران بکار می‌رفت و در مصر هم در دوره فاطمی ۳۵۹ تا ۵۶۷ هـ (۹۶۹ تا ۱۱۷۱ م) رواج داشت .(دیامند ، ۱۳۳۶ : ۷۹ و ۸۰).

تصویرگری

از این عصر کتاب‌های مصور و متعددی که بیشتر آن‌ها درباره علوم و دانش‌های مختلف است به جای مانده است که بررسی نقاشی‌های آن‌ها مکمل شناختی است که در این زمینه از سفال‌های مینایی بدست آورده‌ایم. تصاویر نسخه‌ای درباره طب جالینوسی کتابخانه دولتی "وین" اهمیت فراوان دارد. نگاره‌های این کتاب بهترین نمایشگر شیوه نقاشی سلجوقی بشمار می‌رود. نسخه‌ای از کتاب مفید الخاص که به کتابخانه آستان قدس رضوی تعلق دارد. درباره خواص گیاهان و دفع بیماری‌ها توسط محمد ابن زکریای رازی پزشک نامدار ایرانی تألیف شده است. در این نسخه نقش انسان و حیوان و گیاهان گوناگون به فراوانی به کار رفته است. تصاویر روی متن نخودی رنگ کاغذ بی‌آن که اطراف آن‌ها رنگ آمیزی شده باشد منقوش گشته است. به وجهی که اندام‌ها مستقیماً بر روی زمینه کاغذ خودنمایی می‌کنند. نقاشی‌های

این نسخه در سال ۶۰۰ هجری قمری نگاشته شده است در عین سادگی دارای حالت بسیار می‌باشد. یک نسخه نیز از خواص الاشجار متعلق به همان دوره در کتابخانه مذکور نگهداری می‌شود.

مینیاتورهای برخی از این کتاب‌ها دارای ارزش بسیار است. از این جمله باید از یک نسخه کتاب "سمک عیار" که به کتابخانه بود لیان (Bodleian Library) تعلق دارد نام بریم. متن کتاب به خط یک خوشنویس ایرانی که از ارجان فارس برخاسته نگاشته شده و نقاشی‌های آن نیز به احتمال زیاد کار یک ایرانی است.(تجویدی، ۱۳۷۵ : ۵۷ تا ۶۲)

دیوان مصور "ورقه وگلشاه" در کتابخانه توپ قاپوسرای استانبول نگهداری می‌شود نقاشی‌های آن در زمره عالی‌ترین نمونه‌های هنر تصویری در دوران سلجوقیان بشمار می‌رود.

این نسخه ممتاز طبق تحقیقات بعمل آمده در اواخر قرن ۴ و اوایل قرن ۵ هجری نگاشته و مصور شده است. متن تعداد زیادی از هفتاد و یک مینیاتور این کتاب به رنگ‌های قرمز و آبی و سبز رنگ آمیزی شده. بخش ساده متن با گل‌ها و پرندگان و انواع پیچک‌های تزئینی آرایش شده است. از نظر شیوه نقاشی تصاویر این کتاب بلافاصله نقوش سفال‌های لعابدار همان دوران را بخاطر می‌آورد متن کتاب به شعر فارسی است و نقاشی‌های آن در نهایت زیبایی و ظرافت. هنرمند همه جا به رسالت خویش دایر به اجتناب از بکاربردن سایه و روش و پرسپکتیو تصنعی و مراعات کیفیت دو بعدی اثر خویش وفادار مانده است. رنگ‌ها بر طبق اصول توازن درسطح بر بنیاد نقاشی‌های دیواری ایران باستان در کنار هم گذاشته شده و کیفیت پسی و پیشی افراد و اشیاء نه به وسیله فن مرایای غربی بلکه براساس تنظیم سطوح بر روی هم نمایانده شده است. (همان، ۶۴ و ۶۵)

تصویر ۳- شموط و شماط با پریان، سمک عیار،کتاب آشنایی با رنگ آمیزی در آثار هنری ایرانیان ص ۷۳

تصویر ٤- یک مجلس از نگاره‌های ورقه و گلشاه (عبدالملک ابن محمدالخوئی) کتاب نگاهی به هنر نقاشی ایران ص ٦٤

تا سده چهارم هجری قمری انواع گوناگونی از کاغذ پدید آمده بود که دائماً تنوع آن‌ها رو به فزونی می‌رفت. گران‌ترین نوع آن‌ها، کاغذ نسبتاً ضخیمی بود که « زرافشان » می‌کردند. (بازل گری، ۱۳۵۴ : ۳۳)

کتاب "ورقه وگلشاه" قصه طولانی عشق بی سرانجام دو دلداده است. نسخه خطی این متن در استانبول وهفتاد و یک نگاره دارد. این نسخه تاریخ ندارد ولی احتمالاً مربوط به سال ۵۹۶ هجری قمری است. نام نقاش از رقم وی "عبدالملک ابن محمد الخوئی" بدست می‌آید. احتمالاً این نسخه در جایی در آذربایجان مصور شده و برخی از محققان آن را نسخه‌ای ترکی تلقی کرده‌اند.

تقریباً همه تصاویر کتاب در فضاهای چهارگوش افقی که نساخ برای آن‌ها در نظر گرفته ترسیم شده‌اند. این فضاها باریک‌اند و بعضی مواقع چنین به نظر می‌رسد که تصاویر که با وجود سادگی به شکلی حیرت انگیز سرزنده‌اند، در صدد شکستن چارچوب تنگی‌اند که آن‌ها را در برگرفته است. تصاویر آکنده از پیکره‌های انسان و اسب‌اند که بعضی مواقع در پس زمینه‌های تک رنگ آبی یا سرخ کشیده شده‌اند و در مواقع دیگر پس زمینه‌ها مزین و مرکب‌اند از اسلیمی‌های بزرگ که به پرده‌هایی شباهت دارند که در حکم پس زمینه منظره روی صحنه نمایش‌اند. ترکیب‌بندی نقاشی‌ها ابتدایی، پیکره‌ها ساده شده و حرکات حداقلی، اما پرمعناست. فضاهای خالی اغلب با حیوانات برگرفته از جانور نامه‌هایی که هنوز چشم انتظار پژوهش‌اند پر شده است.

گاهی اوقات جزئیات اشیاء جالبند و به نظر می‌رسید انعکاس مشاهده مستقیم چیزهایی که نقاش دید است باشند با این حال همه این احکام کلی استثنا پذیرند و در این نسخه حتی مواردی از سه بعد نمایی کلاسیک در بازنمایی فضا وجود دارد. به ویژه وقتی که صفحه عاری از هرگونه تزئین در حکم پس زمینه به کار برده شده است. شگفتی دیگر این نسخه به دو نگاره آخر آن مربوط می‌شود که حضرت محمد (ص) را نشان می‌دهد که وارد ماجرا می‌شود و دو دلداده را نجات داده پایانی خوش به داستان می‌دهد.

از آن جا که در روایات اسلامی هیچ گاه پیامبر اسلام معجزه‌گر توصیف نشده و موارد بازنمایی وی به شکل نقش آفرین ساده ماجرا بسیار نادر است، به نظر می‌رسد متن ماجراهای ورقه وگلشاه از فرهنگی ایرانی زبان یا ایرانی خوان با ترکیب از عناصر مسیحی برگرفته شده باشد که چنین وضعیتی عملاً در آذربایجان یا آناتولی امکان پذیر بوده که با مسیحیان شرقی یا قفقازی برخوردار از سنت زنده کتب مصور هم جوار بودند. (گرابار، ۱۳۸۳ : ۴۳ و ۴۴)

مصور ساختن کتاب در این دوران به شیوه‌ای خاص و با خصوصیاتی بیشتر ایرانی و کنار گذاشتن خصلت‌هایی که در شیوه عباسی رواج داشت هم چون خصوصیات نژادی و لباس‌هایی به سبک مسیحی، ادامه یافت از این زمان کتب متعددی به دست آمده است ولی نمونه‌های موجود مشابهت کاملی با سفالینه‌های لعاب دار این دوران دارد و همان نقش‌ها را با جزئیات ودقت کامل بر روی سفال‌ها می‌بینیم.

احتمالاً طراحان و نگارگران این سفالینه‌ها همان‌هایی هستند که تصاویر مربوط به کتاب‌ها را نقش کرده و ظروف زیبایی ساخته‌اند که هر یک به منزله شاهکاری از هنر نگارگری در آن دوران است. داستان بهرام گور و آزاده در شاهنامه از موضوعاتی است که بارها برروی سفالینه‌ها و ظروف این دوران نقش گردیده و خصوصیات هنری ساسانی را به وضوح حفظ کرده است. «کریستین پرایس» در کتاب تاریخ هنر اسلام به کاسه‌ای زیبا اشاره می‌کند که در آن بهرام گور را بر پشت شتری می‌بینیم که به شکار پرداخته و آزاده نوازنده خویش را که چنگ می‌نوازد بر ترکش سوار کرده است.

کاسه‌ای که امروزه در اختیار مجموعهٔ «مرتیزشیف» است از این نمونه به شمار می‌آید. این موضوع بارها برروی ظروف نقره ساسانی و روی گچ بری‌ها و نقاشی‌های دیواری کاخ‌هایشان نقش گردیده است. آزاده بهرام را بر آن می‌دارد که پای پسین آهویی را به گوش او بدوزد و بهرام نیز بی‌درنگ چنین می‌کند. آزاده از این چیره دستی بهرام چندان شگفتی نشان نمی‌دهد و بهرام که خشمگین شده بود وی را از پشت شتر به زمین می‌اندازد. این هر دو واقعه را در یک تصویر می‌بینیم، آزاده هم بر پشت شتر دیده می‌شود و هم بر زمین.

یکی از کاسه‌های به دست آمده که در اختیار«پارتیش واتون» است، کاسهٔ لعابداری است که احتمالاً در کارگاه‌های ساوه به کوره رفته و هنرمند در ضمن کتیبه‌ای که دور ظرف نقش شده تاریخ ساخت آن را اول محرم ۵۸۳ هجری قمری ذکر کرده است. این کاسه مرد یا زنی را نشان می‌دهد که بر خری سوار است، رنگ خاکستری حیوان با رنگ قرمز پالان که بر رویش قرار داده شده تناسب چشمگیری دارد.

در گالری «هنر فریر» در واشنگتن بشقاب بزرگ قرار دارد، که صحنه حمله به یک دژ را نشان می‌دهد و اسامی مهاجمان به وضوح نوشته شده است. بی‌تردید این صحنه بازنمایی رویدادی است که تا کنون شناسایی نشده است.

تصویر ۵- بهرام گور و آزاده، ری سدهٔ هفتم هـ . ق، کتاب آثار ایران در موزه متروپولیتن ص ۳۹

تصویر ٦- تسخیر یک قلعه، قرن هفتم هـ .ق. گالری هنر فریر. کتاب مروری بر نگارگری ایرانی ص ٤٦

تصویر ۷- داستان بیژن و منیژه، قرن چهارم هـ . ق، کتاب مروری بر نگارگری ایرانی ص ٤٧

در همان موزه ظرفی کوچک ولی معروف وجود دارد که با تصاویر صحنه‌هایی مجزا که در سه ردیف مرتب شده بدون شرح که داستان بیژن و منیژه، یک زوج دیگر از شاهنامه را نشان می دهد.

از آن جا که این ماجرا مربوط به حماسه بزرگ شاهنامه است، تا مدت ها بر اساس نظریاتی که در اصل برای هنر مسیحی تدوین شده، این طور تصور می‌شد که تصاویر این ظرف از تصاویر یک نسخه خطی برگرفته شده‌اند، اما پژوهشی که اخیراً انجام

گرفته ثابت کرده است که چنین نیست و حاشیه‌های تزئینی ملهم از سنت شفاهی نقالی است. (گرابار، ۱۳۸۳ : ۴۵ و ۴۶).

محمد بن علی راوندی مؤلف کتاب «راحه الصدور» اشاره می‌کند که در زمان حکومت سلطان رکن الدین طغرل بن ارسلان «هنرمندان آسوده بودند و هر خطاطی ده جا مکسب داشت». وی در سنه ۵۸۰ هجری قمری در صدد ترتیب دادن مجموعه مصور اشعار بود که آن را «زین الدین محمود» می‌نوشت و « جمال نقاش اصفهانی» صورت هر شاعری را نقاشی کرده است. در رساله «صور الکواکب»، «حسن بن الرحمن بن عمر الصوفی» (۲۹۱ ـ ۳۷۶ هجری قمری) که برای فخرالدوله دیلمی تألیف گردیده و نسخه خطی آن در عصر مؤلف نوشته شده است، صورت های فخرالدوله دیلمی و مؤلف کتاب نقاشی شده‌اند و ۴۸ صورت آسمانی را نیز با کمال مهارت در آن تصویر کرده‌اند . از کتب مصور این دوره شاید قدیمی‌ترین آن «اندرزنامه» باشد که تاریخ ۴۸۳ هجری را دارد و کریستین پرایس آن را «کهن ترین مینیاتور» می داند که در گرگان به سال ۴۷۵ تا ۴۸۳ نوشته و به تصویر کشیده شده است.(شریف زاده،۱۳۷۵: ۷۵ تا ۷۶).

محمد علی فروغی در مکتوب خیالی نوشته است: شاهنامه هم از حیث کمیّت، هم کیفیّت بزرگترین اثر ادبیات و نظم فارسی است. بلکه می‌توان گفت یکی از شاهکارهای ادبی جهان است و اگر من همیشه در راه احتیاط قدم نمی‌زدم و از این که سخنانم گزافه نماید احتراز نداشتم می‌گفتم شاهنامه معظم‌ترین یادگاری ادبی بشریست(افشار، ۱۳۴۷: ۶).

شاهنامه کاما

"شاهنامه کاما"یکی از قدیمی‌ترین نسخ شاهنامه است که تا کنون شناسایی شده مربوط به دورهٔ سلجوقیان است. اولین بار این کتاب توسط مرحوم غروی طی مقاله‌ای در سال ۱۳۵۲ در مجله هنر و مردم معرفی می‌شود که بنابر نظر مرحوم مینوی این شاهنامه مربوط به دوره سلجوقی است. اما بر اساس پی‌گیری‌های مکرر اینجانب از مؤسسه شرق شناسی کاما در بمبئی این اثر ارزشمند تاریخی ایران جستجوهای فراوانی برای یافتن ردپایی از این اثر انجام شد که متأسفانه در هیچ کتاب و هیچ سایتی درباره این شاهنامه اطلاعاتی موجود نیست و اگر هست تنها اشاره‌ای کوتاه درباره محل نگهداری این شاهنامه به دست می‌دهد. ظاهراً این شاهنامه در مؤسسه کاما در شهر بمبئی نگهداری می‌شده که با توجه به استعلام شخصی مؤسسه مدعی شده که شاهنامه به فردی ناشناس فروخته شده و دیگر در اختیار آن مؤسسه نیست و امکان تحقیق در خصوص آن را متأسفانه از دست دادیم. اما آن چه مورد پژوهش قرار گرفت بر اساس چند تصویر منحصر به فرد که در کتاب "معرفی نسخه‌های شاهنامه فردوسی" چاپ شده و مورد استفاده این مقاله قرار گرفته است. قطع این کتاب ۲۹ × ۲۳ سانتی متر است. تعداد کل ورق‌های آن ۳۰۹ و تعداد تصاویرش ۴۵ است.(شریف زاده ، ۱۳۷۵: ۷۷).

تصویر ۸ ـ پادشاهی ساسانیان، نسخه کاما، کتاب معرفی نسخه‌های شاهنامه فردوسی ص چهارده

تصویر ۹- آغاز کتاب، گفتار اندر ستایش خرد، نسخه کاما، کتاب معرفی نسخه های شاهنامه فردوسی ص ۱۵

تصویر ۱۰- نسخه کاما ، ۸۷۳ برگ، کتاب معرفی نسخه های شاهنامه ، فردوسی ص ۱۸

این کتاب را با بدترین وجه صحافی کرده‌اند یعنی با بی‌دقتی خاص وصله کاری و سپس ته کتاب را سوراخ و با نخ‌های کلفت ریسمانی دوخته‌اند در نتیجه حتی ورق شماری آن در صورتی که با بی‌دقتی و شتاب صورت می‌گرفت بدان لطمه می‌زد و از این رو لازم بود که هرچه زودتر کتاب از بند نامطلوب این صحافی ناشیانه رهایی یابد. هنگام صحافی کتاب را با درهم ریختگی کامل مرتب ساخته‌اند و حتی ورق اول کتاب که در یک روی آن قسمتی از فهرست مطالب و سال پادشاهی پادشاهان است و در روی دیگر آغاز کتاب است یعنی گفتار اندر ستایش خرد برعکس چسبانده شده وصفح اول کتاب در وضع موجود به جای آن که حاوی بخشی از فهرست باشد. گفتار اندر ستایش خرد و صفحه دوم گفتار اندر نعت محمد(ص) آورده شده و در صفحه پنج و شش داستان دقیقی شاعر، در ستایش سلطان محمود است و نخستین عنوان اصلی کتاب در ترتیب فعلی پادشاهی هوشنگ است. نظم کتاب را در هنگام صحافی اخیر بهم زده‌اند زیرا در بسیاری از صفحات اثر رنگی عنوان‌های صفحه مقابل هست در صورتی که در وضع فعلی تصویر و عنوان که به مرکب سرخ نوشته شده نخستین تصویر کتاب در صفحه ششم فعلی و نمایشگر دربار سلطان محمود است و آخرین تصویر مربوط است به اسکندر و دارا که البته جای آن در کتاب نیست(غروی، ۱۳۵۲: ۴۱و ۴۲)

هیچ گونه مهر یا امضاء یا یادداشتی در خود کتاب نیست، اما در روی یک قطعه کاغذ نازک کوچک این یادداشت‌ها نوشته شده است:Shah-nameh belonging to Mr.Peshtonjee Dastur of Bulsar که ماشین شده وسپس با مداد جوهری : Said to beoldeest – copy

بنا به تشخیص و نظر استاد مینوی : این شاهنامه بدون تاریخ به عصر پیش از نفوذ مغول در نقاشی ایران تعلق دارد. مغولان در سال ۶۱۷ هجری به ایران حمله کردند و اگر این اثر در سال‌های آخر قرن ششم یا اوایل قرن هفتم صورت پذیر نشده باشد به هر حال پیش از سال ۶۵۰ یعنی درهمان سال‌های ترک تازی مغولان ساخته و پرداخته شده و از شاهنامه موزه بریتانیا قدیمی‌تر است. بایدپس از تنظیم مجدد محتوی کتاب و بررسی و تطبیق آن با شاهنامه‌ای کامل گفت: که این شاهنامه چقدر افتاده دارد و این افتاده‌ها در کجاها هستند. (غروی ، ۱۳۵۲: ۴۴).

تصویرگری"شاهنامه کاما"

اگر چهره پردازی، رنگ گذاری و ترکیب‌بندی این نگاره را با نمونه‌های نگارگری این دوره مثل "سمک عیار" و" ورقه و گلشاه" مقایسه کنیم می‌توانیم بگوییم که شاهنامه کاما از دو نمونه دیگر قدیمی‌تر و از نظر ترکیب‌بندی ساده و ابتدایی است.

مقایسه تصویری؛ اگر داستان بهرام و آزاده در "شاهنامه کاما" را مقایسه کنیم با نمونه‌های سفالی که از این داستان وجود دارد می‌بینیم که شیوه کار وترکیب‌بندی یکی است. بهرام و آزاده سوار بر شتر و در کنار هم هستند. بهرام رو به سمت چپ و آزاده به پشت او و رو به سمت راست است. این نگاره به طور مستطیل باریک در بین اشعار است. دارای ترکیب بندی ساده و ابتدایی ست. پس زمینه کار با صخره‌ها و کوه‌ها تزیین شده است. هر چند نمونه سفالی دارای ترکیب‌بندی محکم‌تر و رنگ گذاری قوی‌تر، با پس زمینه متنوع و زیباتر است.

در نگاره کشتی گرفتن بهرام گور حدود ۱۰ صورت وجود دارد که تمام ترکیب‌بندی را با صورت‌های آدم‌ها و هیکل آن‌ها پر شده و هیچ چیز دیگری در تصویر وجود ندارد. شنگل نشسته بر تخت و اشخاص در اطراف او قرار گرفته‌اند و درجلو بهرام در حال کشتی گرفتن است.ترکیب بندی دراین کارساده و ابتدایی است.

تصویر ۱۱- پادشاهی اردشیر (بهمن)، بر دار کردن فرامرز. کتاب معرفی نسخه‌های شاهنامه فردوسی ص ۹

تصویر ۱۲- یک مجلس از نگاره‌های ورقه و گلشاه (عبدالملک ابن محمدالخوئی) کتاب نگاهی به هنر نقاشی ایران ص ٦٤

تصویر ۱۳- شموط و شماط با پریان. سمک عیار،کتاب آشنایی با رنگ آمیزی در آثار هنری ایرانیان ص ۷۳

در نگاره بر تخت نشستن بهرام، بهرام در وسط کار بر روی تختی نشسته و ستون‌های بالای تخت نمایان است. که در نمونه داستان بیژن و منیژه نقش شده بر روی سفال این دوره نیز دیده می‌شود. در سمت راست او شخصی با ریش بلند نشسته که از نظر چهره پردازی متأثر از چهره‌های عربی یا نژاد سامی در مکتب بغداد است که نشان دهنده تأثیر پذیری از نگارگری پیش از خود است و به همین دلیل می‌توان دلیل دیگری باشد بر مقدم بودن این شاهنامه نسبت به نمونه‌های دیگر تصویرگری در ادبیات دوره سلجوقی چون "ورقه و گلشاه"یا "سمک عیار" که کاملاً تأثیرات مکتب بغداد از آن زدوده شده است.

تصویر ١٤- چهره زن، پادشاهی اردشیر(بهمن)، بر دار کردن فرامرز. کتاب معرفی نسخه‌های شاهنامه فردوسی ص ۹

تصویر ١٥- چهره زن، یک مجلس از نگاره‌های ورقه وگلشاه(عبدالملک ابن محمدالخوئی) کتاب نگاهی به هنر نقاشی ایران ص ۶۴

تصویر ١٦- چهره زن، شموط و شماط با پریان. سمک عیار،کتاب آشنایی با رنگ آمیزی در آثار هنری ایرانیان ص ۷۳

تصویر ١٧- بهرام آزاده، کتاب معرفی نسخه‌های شاهنامه فردوسی ص ١٦

تصویر ١٨- بهرام گور و آزاده، ری سدهٔ هفتم هـ . ق، کتاب آثار ایران در موزه متروپولیتن ص ۳۹

به طور کلی می‌توان خصوصیات تصویرگری "شاهنامه کاما" را به این شکل خلاصه کرد:

ویژگی‌های مشترک

۱ ـ صورت سازی بر اساس چهره‌های نژاد زرد پوست که با صورت‌های مدور، ابروهای کمانی و چشم‌های بادامی.

۲ ـ از نظر قرار گرفتن هاله طلایی(تقدس) در پشت سر ندارد.

۳ ـ از نظر تنوع رنگ و استفاده از رنگ‌های قرمز، سبز، آبی وسیاه است و همین طور بهره گیری از نقوش بر روی لباس‌ها با نقش‌هایی از گل‌ها و نقوش هندسی تزئین شده در حالی که در دوره قبل یعنی مکتب بغداد لباس‌ها با چین و چروک متأثر از مکتب بیزانسی(مسیحی) است. ضمن این که از نظر ترکیب‌بندی کلی بسیار ساده و بدون پلان بندی(قطعه بندی‌های رایج در تصویرگری نگارگری‌های بعدی است). در عین این که همچون سایر تصاویر نگارگری فاقد پرسپکتیو است. قلم گیری که در این آثار هست هنوز به ویژگی‌های خاص دوره‌های بعد که دارای شیوه‌های تند و کند(نازکی و کلفتی خطوط) نرسیده است.

در دوره‌های قبل خصوصاً در مکتب بغداد پس زمینهٔ اثر فاقد رنگ گزاری است و از رنگ کاغذ استفاده شده در حالی که در دوره سلجوقی رنگ گزاری می‌شود. در "شاهنامه کاما" رنگ آمیزی به این صورت است که ابتدا پس زمینهٔ کار رنگ گزاری شده اما ترکیب‌بندی هنوز پیچیدگی‌های دوره‌های بعد را حتی در اواخر دوره سلجوقی پیدا نکرده و تزئینات

لباس‌ها هم بر روی آن‌ها هنوز به ترکیب‌بندی‌هایی با جزئیات فراوان‌تر در اشکال و تنوع بیشتر در رنگ‌ها نرسیده است.

در حالی که صورت‌های نژاد زرد با هاله‌های طلایی پشت سر آن‌ها دیده می‌شود(که شاید تأثیر از هنر بیزانسی هم بتوان تلقی کرد) .که البته گفته می‌شود که هنر بیزانس هم متأثر از نقاشی‌های مانوی است. در مکتب سلجوقی، نقش‌ها و تزئینات بر روی متن رنگ آمیزی شده پدیدار گشته‌اند. بدین صورت که ابتدا صفحه اصلی را رنگ آمیزی و سپس نقوش و نگاره‌ها را رنگ آمیزی می‌کردند، این رنگ معمولاً سرخ بوده است که زمینه را با آن می‌پوشاندند. در نسخه‌های خطی، این نقاشی‌ها مستقیماً بر روی صفحه کتاب انجام می‌گرفت و از چین و چروک در لباس‌ها به شیوه‌های نقاشی مسیحی، رایج در مکتب عباسی خبری نیست و لباس‌ها را با گُل و گیاه و نقوشی به سبک اسلیمی تزئین می‌کردند.(شریف زاده ، ۱۳۷۵: ۷۸)

مرحوم غروی در مقاله پژوهشی در شاهنامه(۳) در ذیل تصویر اشاره می کند:«رسم‌الخط بسیار کهن کتاب می‌توان به قدمت آن پی‌برد. این کتاب به احتمال قریب به یقین کهنسال‌ترین شاهنامه مصور جهان است با ۴۵ تصویر. خط آن با خط نسخهٔ کهن التفهیم بیرونی، از قرن پنجم، متعلق به همین کتابخانه قابل قیاس است.» (غروی، ۱۳۵۲، ۵۳)

تصویر ۱۹- کشتی گرفتن بهرام گور در بارگاه شنگل و هنر نمودن. کتاب معرفی نسخه‌های شاهنامه فردوسی ص ۱۷

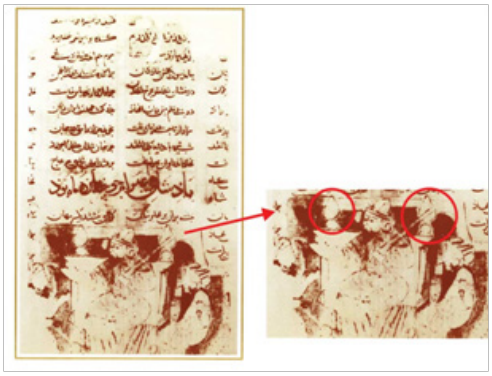

تصویر ۲۰- برتخت نشستن بهرام چوبینه.کتاب معرفی نسخه‌های شاهنامه فردوسی ص ۱۹

تصویر ۲۱- داستان بیژن و منیژه، قرن چهارم هـ . ق کتاب مروری بر نگارگری ایرانی ص ٤٧

نتیجه گیری

شاهنامه "کاما" که از قدیمی‌ترین نسخ شاهنامه است به چندین علت می‌تواند منسوب به دوره سلجوقی باشد. با بررسی نگاره‌های دوره سلجوقی و شباهت‌های نگاره‌ها و نقوش در این دوره در مقایسه با تصویرگری در شاهنامه "کاما" مشخص می‌شود که صورت سازی‌ها، ترکیب‌بندی‌ها، زمینه سازی‌ها و به طور کلی خصوصیات تصویرگری در شاهنامه "کاما" خصوصیات تصویرگری دوره سلجوقی است و از اولین نمونه‌های هنر تصویرگری در این دوره، چرا که به نظر می‌رسد که پیش‌تر از نمونه‌های تصویرگری معروف این دوره مثل کتب "ورقه و گلشاه" و"سمک عیار" تصویرگری شده است زیرا تصاویر آن نسبت به این دو کتاب ساده‌تر و به آن ترکیب‌بندی و طراحی و رنگ گذاری نرسیده است. بنابر این شاهنامه "کاما" از اولین نمونه‌های هنر تصویرگری دوره سلجوقی است.

تصویرگری سلجوقی بیش از این که در کتاب شکل گرفته باشد در سفال خودش را نشان داده و تبلور پیدا کرده،

ترکیب بندی‌ها، صورت سازی‌های نگارگری در دوره سلجوقی بیشتر بر روی سفال یافت می‌شوند. این ترکیب‌بندی‌ها روی سفال بسیار محکم‌تر و رنگ گذاری‌ها بسیار متنوع‌تر از آثار کتابی سلجوقی است. صورت‌ها به شیوه صورت سازی سلجوقی و نژاد زرد پوست است. تصاویر عموماً در متن خوشنویسی شده قرار گرفته است. در صفحه آغازین آن سر لوحی به خط کوفی دارد. با وجود آن که بقیه متن به خط نسخ اولیه نگاشته شده است.

این پیچیدگی، درکتب بعدی دوره سلجوقی کامل‌تر و دقیق‌تر شده است، به طوری که در "سمک عیار" تصاویر در پس زمینه‌ای از درخت و مرغ است. و در نگاره‌های "ورقه و گلشاه" نیز زمینه اسلیمی‌ها، فضای کار را درست کرده‌اند. در ترکیب‌بندی "ورقه و گلشاه" آدم‌ها و تصاویر بر روی زمینه اسلیمی و مانند ترکیب‌بندی سفال زرین فام خط بر روی زمینه اسلیمی قرار گرفت است.

اما در شاهنامه "کاما" آن فضا سازی‌ها صورت نگرفته است و فضاها ساده‌ترند و زمینه، رنگی ساده دارند. از دیگر عواملی که می‌توان برای انتساب شاهنامه کاما به دوره سلجوقی ذکر کرد گسترش و رشد حیرت انگیز زبان و ادبیات فارسی در زمینه نثر و شعر است و اهمیت ویژه‌ای که این زبان پیدا می‌کند. پس با در نظر داشتن این مسأله نگارش شاهنامه به عنوان مهم‌ترین احیاء کننده زبان فارسی مورد توجه قرار می‌گیرد.

منابع و مآخذ

۱. افشار، ایرج؛ (۱۳۴۷)؛ کتاب شناسی فردوسی؛ انتشارات انجمن آثار ملی؛ تهران.
۲. بازیل، گری؛ (۱۳۵۴)؛ نگاهی به نگارگری در ایران؛ ترجمه فیروز شیرانلو؛ انتشارات توس؛ تهران.
۳. پوپ، آرثر آپهام؛ (۱۳۳۸)؛ شاهکارهای هنر ایران؛ بنگاه مطبوعاتی صفی علی شاه با همکاری انتشارات فرانکلین. تهران.
۴. تجویدی، اکبر؛(۱۳۷۵)؛ نگاهی به هنرنقاشی ایران از آغاز تا ۱۰ه‌ق؛سازمان چاپ‌وانتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی؛تهران.
۵. حلی، احمد کمال الدین؛(۱۳۸۴)؛ دولت سلجوقیان؛پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ قم.
۶. دیامند، م ؛ س؛(۱۳۳۶)؛ راهنمای صنایع اسلامی؛ترجمه عبدالله فریار؛ بنگاه ترجمه و نشرکتاب؛ تهران.
۷. رفیعی، لیلا؛(۱۳۷۸)؛ سفال ایران از دوران پس از تاریخ تا عصر حاضر؛ یساولی؛ تهران.
۸. سرفراز، علی اکبر؛(۱۳۸۰)؛ سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه؛ انتشارات سمت؛ تهران.
۹. شریعت، محمد جواد؛(۲۵۳۶)؛ سخنان پیر هرات (خواجه عبد الله انصاری)؛ انتشارات فرانکلین با همکاری شرکت سهامی کتاب‌های جیبی؛ تهران.
۱۰. شریف زاده، سید عبدالمجید؛(۱۳۷۵)؛ تاریخ نگارگری در ایران؛ انتشارات حوزه هنری؛تهران.
۱۱. غروی، مهدی؛(۱۳۵۲)؛ "قدیم‌ترین شاهنامه مصورجهان، شاهنامه فیروز پشتونجی دستور بلسارا معرفو به شاهنامه موسسه کاما بمبئی، متعلق به اوایل قرن هفتم هجری"؛هنر و مردم؛ دوره۲۱، ش۵۳۱ ؛ ۱۴-۴۴، تصویر.
۱۲. غروی، مهدی؛(۱۳۵۵)؛ "پژوهشی در شاهنامه(۳)"؛ هنر و مردم؛ دوره ۴۱، ش ۸۶۱ ؛ مهر ماه؛ ۰۵-۱۶.
۱۳. کیانی، محمد یوسف؛(۱۳۷۹)؛ پیشینه سفال و سفال گری در ایران؛ انتشارات نسیم دامن؛ تهران.
۱۴. گرابار، الک؛(۱۳۸۳)؛ مروری بر نگارگری ایرانی؛ ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند؛ فرهنگستان هنر؛ تهران.